

مزدوران پیش‌رمی بنام

فدائیان اکثریت

و دیگران، هنوز اجازه رسمی انتشار نیافته است، و اینها از آزادی خواهی و دمکرات منشی!! این سرده‌های استبدادزیر برده، دین حرف میزنند. آخر قلب و اطمینان هم حدی دارد! هنوز مرکب قرارداد دخیانت با رانه آزادی جا سوآن آمریکایی خشک نشده است، هنوز انرفشای قرارداد های تنگن با تالسوت و کروب و مدارکات با پزو و فولکس و اگن و کما نیهای ژانسی در جا معه محوشده، و اکثریتی های " فدا میریالیست " از اقدامات مسعانه!! " فدا میریالیستی " سرده‌های خیانت ملی لانه کرده در حزب جمهوری دم میزنند. آخر و پتفروشی و حیانت هم حدی دارد! راستی این مزدوران بی حیره و مواحب حزب جمهوری، که نقس با واک حزب جمهوری را برای ردیابی و بنا سازی مبارزه بین بازی میکنند، و مداح اعمال و پتفروسانه وفا شیب بازی های این حزب گذاشتی گردیده اند، چه فکر میکنند؟ فکر میکنند مردم ما نند خودشان ابله هستند؟ ما فکر میکنند مردم ما نند خودشان وطن فروش و شوکر صفت و کشنده آزادی هستند؟ کدامک؟ این کوردلان و فدائیان روس اسنادا دوقاسم چه فکر میکنند؟ ما کسم کورکی گفته‌ای نغز دارد:

" مرک برآنها بی که مسخا هندی زده ما شم و سرک آزادی را سبیم "

با پدیده اکبری ها گفت " مرک برآنها بی که میخواستند زنده بمانند و مرک آزادی را ببینند! " ولی تصور نکنند که زیاد هم زنده خواهند ماند!! همین مداحی و بنا نویی بی شرمانه را حزب برادرمان در عراق از فاشیستی بنام مدام حسن کردند، و مدام فاشیست هم پس از آنکه تمام تمتع را از این فواحش سیاسی گرفت، آنها را ما نند زباله بدورا نداشت و سر بسپاری از آنان را بدم تیغ سیرد. حالا آنها دادشان در آمده است، ولی خود کرده را بسپاشی نیست!

ما به هواداران فدائیان (اکثریت)، آن عده‌ای که هنوز جوشی و ذره‌ای از آزادیخواهی و از استقلال طلبی در وجودشان باقی مانده است، هشدار میدهم و اخطار میکنیم که تا دیر نشده دست از لجاجت و سخا سری بردارند، بیش از این آلت دست مستبدین حزبی و رهبران خود فروخته خود نگردند، و زیاده از این در مقابل مردم صف آرائی نکنند که عاقبت خوشی ندارد. اجازه ندهند تا در تاریخ نامشان در کتار و پتفروشی و مستبدینی چون بهشتی و آیت برود؛ اجازه ندهند تا در تاریخ نامشان در کتار و پتفروشی و خود فروختگانی چون بهرامی و قرینی و شرمینی و عباس شهریاری رقم بخورد؛ اجازه ندهند تا در تاریخ بهیاران و همداستان عده‌ای اوپاش و اراذل بنام " حزب الله " معرفی گردند. دست از این اعمال تنگین بردارند و شرافت خویش را تا ابد که دارن سازند.

ما به هواداران فدائیان (اکثریت) آن عده‌ای که هنوز جویی و ذره‌ای از آزادیخواهی و از استقلال طلبی در وجودشان باقی مانده است، هشدار میدهم و اخطار میکنیم که در دو راهی خطرناکی قرار گرفته‌اند، یا کاملاً و تماماً در منجلاب خیانت و وطن فروشی سقوط می نمایند، و یا

مردم بهران حتما دیده اند که عده‌ای بلاکارت بدست در ورودی سه ۱۸ جردا ما در سربعضی ارجها راه ها و میادین سهراسا دیده بودند، و مردم را دعوت میکردند تا در تظاهرات "عیرنا سوسی" شرکت نکنند، البته مردم منوجه شدند که این بلاکارت بدستان، حزب اللهی های معروف نبودند بلکه از گروه مزدور صفتی بودند که ما بی مسمای " فدایی خلق "، آنها هم " اکثریت " اش را دید کرده‌اند، البته این بی حتم و رو هسای روس پرست مردم تنگنند که عده دیگران در تظاهرات " فانون " تی " اوپاش و اراذل حزب جمهوری شرکت کرده بودند و بهمراه آنان به جماعتی وقمه کشی مسغول بودند و در شنا با سوسی و دسکیری افراد مبارز، بی ساشه سربس کمکهای " دمکرات - مساسه " و " انقلابی " را می نمودند.

" اکثریتی " های خاشی چند سبت که به شیوه رذیلانه برادر بزرگسرا ن حزب توده، به مداحی حزب جمهوری اسلامی و نقشه های کودتا خرابه و اسبیدای آنها برداخته اند، این دودستنه، شوکر صفت (که یکی سالها ن دراز است که طوق بندگی ایرت قدرت روس را سه کردن بخارده، و دیگری رنان کوتاه تری به ایمن " سئل سربس " هم کما سنه و بنا بر این نا شیا به شوکر صفتا خانه تر به عرض شوکری مسغول است که مداحی را بیدنا کما نده اند که سرتما می اعمال و رفتار مستبدان حاکم، روپوش " صداقت " و " انقلابیگری " میسوساند، این مزدوران آنقدر بی چشم و رو و ما شیب سربس هستند که درباره افنضاج هیات بررسی " شابعه " سکنه!! " حسین رقم زدند:

" از خلل سما م سطور این گزارش (هیات بررسی " شابعه " سکنه)، روح صداقت و امانت میتراود و جزایبهم نباید اسد " (نامه مردم - ۳ خرداد ۱۳۶۰)

فقط ار همین یک نمونه میتوان به عمق دریوزگی و شوکر صفتی آنان پی برد. بنا بر این زمانیکه دارودسته کودتاچی حزب جمهوری تاخت و تازار تخاصی خود را از هفته گذشته باعداد تازه‌ای بخشید، و علنا و رسماً دست به کودتاگری زد، هیچ دور از انتظار نبود که ایان با ایی وضع فجیع به دم تکمان دادن مسغول شوند.

میگویند دست آموز را ارباب هر چه بیشتر توسری بزنند و تحقیر کنند، بیستردم تکان میدهد. و همین وصف الحال " اکثریتی " های خاشی است. در همین یورش ضد آزادی، روز - نامه، " نامه مردم " ارکان حزب برادرشان را توقیف کردند (که البته سیاه بازی " ماهرانه " ای بیش نیست و طبق نقشه انجام یافته است) ولی اینها ایی یورش را بمشا به یک اقدام " دمکراتیک " و " انقلابی " و " فدا میریالیستی " جا زدند، و اعتراض بحق مردم را نسبت به این امر، اقدام " غیرقانونی " جلوه دادند و دستور تحریم آن را صادر کردند. آخر مزدور صفتی هم حدی دارد! روزنامه، خودشان " کار " اکثریت، با هم - چایلوسی ها و انظا رعبودیت کردنها ی رهبرای اکثریت در جلسات خصوصی با اجاب بهشتی و در مباحث " آزاد "!! با روش و بهشتی

براه مردم و براه آرادی و استقلال بازمی کردند. فکر نکنند
"آزاد" هستند چون میبوسند هنور بلاکاری در سرحا راهها
در دست بگیرند. "آزاد" ندکه مجبوز حزب جمهوری را بگویند،
"آزاد" ندکه به آلب دست حرب و نیروی ضربتی چماقداران
حربی و کودتاچی تبدیل کردند. همانقدر "آزاد" ندکه
بردهای در چائپلوسی از او باس آزاد است. همانقدر "آزاد" ند
که خود فروسی در عرضه سرب و عصم و عفت خود آزاد است. ای ننگ
براین "آزادی" ! این هواداران بدانند که

"آزادی لقمه سهل الوصول نیست بلکه شهری است که
باید آن را بزور شمسرفش کرد، کسی که آزادی را از دست
دیگران دریافت کند همگان برده و بنده باقی خواهد
مانند...." (سیکوس کا زان تراکیس)

مرک بر آن "آزادی" که از دست مستبدین قرون وسطایی چون
بهستی و آبت و جمران دریافت شده، مرک بر آن "آزادی" که
از دست وطن فروشان بدنامی چون رجایی و نبوی تحصیل گردد.
ای مرک بر این "آزادی" !

ما به هواداران فدائیان (اکثریت) آن عده ای که هنوز
جویی و دره ای از آزادیخواهی و از استقلال طلبی در وجودشان
باقی مسود، همدار می دهیم و اخطا نمیکنیم. اینها بدانند که
ملب اربا دسجواهد سردر و ف دردها و رنج ها و فسا رها که کسانسی
به آنها بست کردند و بدتر آنکه از پست بر آنها خنجر زدند. بیاد
داسه باسد که ملب سب اسفا مجواست، و زمان انتقام بخصوص
ار آن کسانسی که مردور و اسرافت و حیثیت خود، و آرمان های
والای مردم را به وعده های پوچ تاخت زدند هرگز نخواهند
بخسید. "این سیره سب را کمان مبرکه سحری بدنبال نیست" !

مردم ایران بدانند که ذره ای و ارزنی از شرف و حیثیت
برای رهبران فدائیان (اکثریت) باقی نمانده است.
بدانند که اینها و برادران بزرگ تر توده ای شان دست در دست
کودتاچیان آزادی کش و وطن فروش حزبی در توطئه بزرگی که
اکنون در مملکت در جریان است شریک هستند. بدانند که این
آبرویا ختکان و ورشکستگان به تقصیر بدروغ نام بزرگ کمونیسیم
و انقلابی کری را بدک کرده اند، و گرنه نه از کمونیسیم پیروی
برده اند و نه از انقلاب. بدانند که کمونیستهای واقعی و انقلابی
ایران، در کنار مردمشان تا پای جان بر آرمانهای والای آزادی
و استقلال با فشاری میکنند و بمانند آنها از توده ای - اکثریتی
های بی سرم نفرت دارند. بدانند که در نفرت بحق شان نسبت
به این دارودسته های ارتجاعی و درمبارزه شان با این آبروی
باختگان، کمونیستهای واقعی و انقلابی در کنارشان هستند.
اینها را با پیدا ز صحنه بدر کرد، بدر خواهند شد. گورن
راکم خواهند کرد!